

## منابع و مآخذ نمایش خورشید کاروان

■ مآخذ سند : منتهی الامال / ج ۱ / ص ۷۷۲

نقل سند : و از تبر مذاب و غیره نقل شده : عادت کفاری که همراه سرها اسیران بودند این بود که در همه منازل سر مقدس را از صندوق بیرون می آوردند و بر نیزه ها می زدند و وقت رحیل عود به صندوق می دادند و حمل می کردند و در اکثر منازل مشغول شرب خمر می بودند و در جمله از آنها بود : مخفر بن ثعلبه و زجر بن قیس و شمر و خولی و دیگران لَنَّهُمُ اللهُ جَمِيعًا .

■ مآخذ سند : تاریخ خمیس

نقل سند : ... روانه شدند ، در راه بدیری رسیدند ، فرود آمدند تا بخوابند ، نوشته ای بر دیوار دیدند : اَتَرْجُوْاْمَه قَتَلْت حُسَيْنًا شَفَاعَه جَدَّه يَوْمَ الْحِسَاب . راهب را پرسیدند : چه کسی این سطر را نوشته ؟ گفت : این خط پانصد سال پیش از آنکه پیامبر بر شما مبعوث شوند اینجا نوشته شده بود .

موسوعه کلمات الامام الحسین (علیه السلام) ص ۵۱۷

■ مآخذ سند : موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام / ص ۵۱۷ الی ۵۲۰

نقل سند : قیس کبیر (راهب) گفت : دیر من بزرگ نیست ولی این زنان و کودکان را داخل دیر بیاورید واز زنان و کودکان نگران نباشید . گفتند : این رأی و نظر خوبی است و کلام او را تحسین گفتند . پس سر حسین (علیه السلام) را در صندوق گذاشتند و درش را بستند و آن را به همراه زنان و زین العابدین (علیه السلام) داخل دیر کردند .

■ مآخذ سند : تذکره خواص الامه \_ تالیف سبط بن جوزی

نقل سند : نیمه شب راهب نوری را دید که از تکیه گاه نیزه بر آسمان کشیده شده ، بر آنها وارد شد و گفت : شما کیستید ؟ گفتند : اصحاب ابن زیاد - لع - پرسید : این سر کیست ؟ گفتند : این سر حسین بن علی بن ابیطالب - علیهاالسلام - دختر رسول خدا - صلی علیه و آله و سلم - گفت : پیغمبر خودتان ، گفتند آری ! گفت چه بد مردمی هستید اگر مسیح (ع) فرزند می داشت ما او را چشم خود جای می دادیم ! آنگاه گفت شما می توانید کاری کنید ؟ گفتند چه کار ؟ گفت : من ده هزار دینار دارم ، آنرا بستانید و سر را بمن دهید امشب نزد من باشد و چون خواستید روانه شوید آنرا بگیرید ، پذیرفتند ، سر را به او دادند و پولها را گرفتند .

راهب سر را برداشت و بنشست و خوشبوی کرد و روی زانو گذاشت و همه ی شب بگریست تا سپیده صبح بدمید . گفت : ای سر من غیر از خویشتن چیزی ندارم و شهادت می دهم به یگانگی خدا و اینکه جد تو پیغمبر او بود و شهادت می دهم که من خود غلام و بنده توأم ، آنگاه از دیر بیرون آمد و اهل بیت را خدمت کرد .